[267] واما تو أي عتبة بن ابى سفيان، سوگند به خدا تو دانا نيستى تا پاسخ را بيان كنم، وعاقل نيستى تا تو را سرزنش نمايم، ونزد تو خيرى كه انتظار آن مى رود نيست، ومن نسبت به ناسزا گوئيت به على تو را ملامت نمى كنم، زيرا نزد من تو هم شأن برده وبنده على بن ابى طالب عليه السلام هم نيستى، تا پاسخ را گفته وملامتت كنم، ولكن خدا نسبت به تو وپدر ومادر وبرادرت در كمينگاه است، وتو فرزند پدرانت هستى كه خداوند آنان را در قرآن ياد كرده ومى فرمايد: (كار كننده ورنج برنده 0 آتش سوزان را مى چشند 0 از چشمهء جوشان نوشانده شوند - تا آنجا كه مى فرمايد: - از گرسنگى). واما تهديدت نسبت به من كه مرا مى كشى، چرا كسى كه روى بسترت همراه با همسرت ديدى را به قتل نرساندى، در حاليكه با أو نزديكى مى كرد، ودر فرزند أو با تو شريك گرديد، تا آنكه فرزند را به تو منسوب كرد، فرزندى كه براى تو نبود، واى بر تو، واگر به خود مشغول بودى وانتقامت را از أو مى گرفتى شايسته تر بود، وتو براى آن سزاوارترى، تا اينكه مرا به قتل تهديد كرده وبه آن مى ترسانى. وتو را از اينكه على را ناسزا گوئى ملامت نمى كنم، چرا كه برادرت را در مبارزه به قتل رسانيد، واو وحمزه در قتل پدرت شريك بودند،
